مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

نویسنده: ن . جلیل زاد ۲۰۲۶/۱۰/۳۰

نان پختم، شعر گفتم، ایستادم
مرا قربانی صدا نزن

نام من در تذکره ها کم آمده، اما در تاریخ این خاک نوشته شده است .

با نان و نمک، با اشک و صبر، و با ایستادگی ای که کسی ثبتش نکرد .

می خواهم این بار خودم از خودم بگویم، نه آن گونه که در گزارش های ترحم آمیز آمده و نه آن گونه که در شعارهای سیاست بازان .

می خواهم از دید کسی بگویم که این سرزمین را از درون زیسته است.

من قربانی صرف نیستم

دنیا مرا اغلب با یک تصویر می شناسد :

چشم های غمگین پشت یک پرده، دستی درازشده، سایه ای در کنار دیوار .

این تصویر دروغ نیست، اما ناقص است، و نیم حقیقت گاهی از دروغ هم بی رحم تر است .

زیرا اگر مرا فقط قربانی ببینند، یاد می برند که من ریشه دارم، اراده دارم و حافظه دارم.

ریشه های من در بلخ است، جایی که رابعه، دختر دربار، شعر را به درد و عشق و جسارت آمیخت و در آن روزگار صدایی برای خود ساخت .

در هرات است، جایی که گوهرشاد با خرد و سرمایه اش مکتب و مدرسه و کتابخانه ساخت و شهر را به چراغ علم روشن کرد .

در میدان میوند است، جایی که ملالی، دختر جوان، در لحظه ای که مردان تردید داشتند، بیرق را برداشت و حرفی گفت که قرن ها در حافظه ماند .

در کابل است، جایی که ثریا طرزی سر بی حجاب نمایی نداشت، سر آموزش داشت، و برای دختران مکتب خواست.

من نوادۀ این زنانم .

هرگز از تاریخ بیرون نبوده ام، اگرچه مورخان کمتر به من پرداخته اند.

دست‌های ناپیدا

جامعه ای را که نان می خورد، کم می پرسد نان را کی پخته است .

من آن دستم .

دستی که پیش از اذان برمی خیزد، آب می کشد، خمیر می کند و فرزند را به آغوش می گیرد .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ

دستی که در قالین بافی، در دشت و دمن، در کشتزار و باغ، بی مزد و بی نام کار می کند .

من آن مادری ام که با فقر چانه می زند تا پسرش درس بخواند و دخترش هم، اگر راهی بماند، نیم چراغی در اتاق داشته باشد.

من آن بیوه ای ام که جنگ شوهرش را برد و خود تنها با پنج کودک ماند .
نه کسی از من پرسید چطور زنده می مانی، نه کسی ستایشم کرد .

فقط کار کردم .

من آن معلم روستایی ام که کیلومترها راه رفت تا الفبا را به دختری برساند که شاید هرگز نامش را نمی شنید .

آن قابله و آن داکتری ام که در زمستانِ بی برق، نوزادان این کشور را به دنیا آورد.

هوش خاموش

یک چیز را درباره ای خودم می دانم، و آن را بی تعارف می گویم :

من احساساتی نیستم، حسابگرم .

نه به معنای سرد و بی عاطفه، بلکه به معنای هوشیار. زنی که برای زنده ماندن همیشه مجبور بوده هزینه و سود هر قدم را بسنجد، هنر سنجیدن را از بر دارد.

وقتی به چیزی باور کنم، تا آخر بر آن می ایستم و به وفا. اما اگر خللی ببینم، بی هیاهو پا پس می کشم .

این ضعف نیست، این احتیاطِ کسی است که بارها فریب خورده .

و پا پس کشیدن هرگز به معنای انصراف نیست .

من از حق خود نمی گذرم، فقط راه تازه ای می جویم.

این را هم تجربه به من آموخته که حقوقم را نباید با سرنگونی یا برپایی هیچ حکومتی یکی بگیرم .

در هر نظامی، چه شاهی، چه جمهوری، چه حاکمیت‌های دیگر، امکان نفی حق زن بوده و هست .

پس مبارزه ام به هیچ مسلک وابسته نیست .

وابسته به یک اصل است: برابری انسانی و قانونی.

وقتی هوای تنفس باز شد

هرگاه کمی فضا برای نفس کشیدن به من داده شد، شکوفا شدم .

نشانی اش نزدیک است .

در بیست سالی که پشت سر گذاشتیم، با همه نابسامانی ها و درد و ناکامی‌ها، شمار شاعران و نویسندگان زن، هنرمندان و نقاشان، محققان و روزنامه نگاران زن، چنان بود که تا آن زمان در تاریخ این کشور بی سابقه بود.

ناشران، کتابخانه ها و نشریه های زیادی به همت زنان برپا شد .

این ثابت می کند که زن افغان استعدادی ناگفته نیست و ظرفیتی سرکوب شده است.

زنی که در تنگنا خلق می کند، در گشایش چه خواهد کرد؟

شاعر و جانباخته

نباید از ناجوانمردی ها بگذرم .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

یاد نادیه انجمن را می کنم، شاعر هراتی که قلمش هنوز جوان بود که زندگی اش در خشونت خانگی پایان یافت. یاد میناکشور کمال را، که برای آگاهی زنان جان داد .

یاد هزاران زنی را که نامی ندارند و در گمنامی از دنیا رفتند، چون شنیده نشدند.

این ها یادآور یک حقیقت اند :

ظلم همیشه بیرونی نیست .

گاهی از در خانه می آید، از رسم و رواجی که «ناموس» را بهانه کرده و آزادی را زنجیر .

اما می خواهم دقیق باشم :

دشمن من «مرد» نیست .

پدرانی را دیده ام که دخترانشان را به مکتب فرستادند، برادرانی که کنار خواهر ایستادند، همسرانی که شانه به شانه ایستاده اند .

دشمن من ساختاری است که تبعیض را قانون و عادت کرده، و گاهی زنان خود نیز، ناخواسته، پاسدار همان ساختار شده‌اند .

می دانم که بیشتر ما درد را به ارث برده ایم و با همان درد، فرزندان ما را تربیت کرده ایم .

شکستن این دایره کارِ بزرگ و دشوار و ضروری ماست.

دروازه های بسته، ذهن های باز

وقتی مکتب را بر دختران می بندند، من نمی شکنم. می دانم که دانش را نمی توان زندانی کرد .

دختری را دیده ام که در اتاق تاریکی، با کتاب های پنهان، درس می خواند، و می دانم که این بزرگ ترین مقاومتی است که این سرزمین به خود دیده .

آموزش، مسلح ترین شکل مبارزه است، چون کسی را نمی کشد و آینده را می سازد.

به خواهرانم

خواهرم، این نوشته را برای تو می نویسم، برای تو که شاید امروز خسته ای.

آگاهی با فریاد آغاز نمی شود .

با یک پرسش آغاز می‌شود :

«چرا؟»

چرا حق من کمتر است؟

چرا صدای من را نمی شنوند؟

این پرسش را از خود نگیر .

با آن بیدار بمان.

یخ های انجماد فکری را باید بشکنیم، اما نه با خشم بی سنجش .

با آموزش دادن، با کتاب خواندن، با کنار هم ماندن .

هر زنی که الفبا بیاموزد، قریه و دهکده ای را روشن می‌کند .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ

هر مادری که به دخترش بگوید «تو هم می توانی»، نسلی را تغییر می دهد و عوض می کند .

و هر زنی که در خانه اش برابریِ فرزندانش را بیاموزاند، پایه ای برای فردایی عادلانه می گذارد.

باور داشته باش که این طوفانِ خفته تویی .

طوفان همیشه با غرش نمی آید، گاهی از آرام ترین سکوت ها برمی خیزد.

پایان، آغاز است

من زن افغان ام .

از شرم نمی گویم و از غرور هم نه، از حقیقت می گویم. بار سنگینی را بر دوش کشیده ام، اما کمرم خم نشده. شعر گفته ام، نان پخته ام، فرزند پرورده‌ام، مکتب ساخته ام و جان داده ام .

نه مظلوم نمایی می کنم و نه ادعای قهرمانی .

فقط می خواهم دیده شوم، آن گونه که هستم :

انسانی تمام‌عیار.

و بدانید که من هنوز اینجا هستم، و هنوز نرفته ام.

آرشیف: مطالب نشر شدهٔ ن. جلیل زاد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ